

دینداران شادترین آدم‌های روی زمین هستند

برای دستیابی به شادی راه‌های متعددی وجود دارد، اما برای دستیابی به یک شادی پایدار شاهراهی اصلی در دسترس است که تنها با مختصات معنوی قابل‌سنجش است.



همشهری دو- میثم آخوندی: برای دستیابی به شادی راه‌های متعددی وجود دارد، اما برای دستیابی به یک شادی پایدار شاهراهی اصلی در دسترس است که تنها با مختصات معنوی قابل‌سنجش است.

اگر پس از شادی، آرامش را هم تجربه کردی، از مسیر درستی عبور کرده‌ای اما اگر تشویش، ارمغان پس از شادی تو است، باید طرحی دیگر در اندازی. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام علی سرک، کارشناس مسائل مذهبی به بررسی مختصات شادی پایدار پرداختیم.

اساساً نگاه اسلام به مقوله شادی چیست و چه تعریفی از آن ارائه کرده؟

شادی، هیجانی است که انسان در اثر دریافت یک موفقیت یا یک زیبایی از بیرون، می‌تواند تجربه کند. فرض کنید طرفداران یک تیم فوتبال، شاهد برد تیم محبوبشان می‌شوند. در چنین شرایطی احساس می‌کنند به موفقیتی دست پیدا کرده‌اند و فریاد می‌زنند یا اینکه کسی منظره‌ای زیبا یا یک نقاشی قشنگ و دلپذیر را مشاهده می‌کند؛ این شخص در درونش شعفی را تجربه خواهد کرد؛ در نگاه دین اسلام اتفاقاً همین دو نکته معیار شادی هستند.

در اسلام مسئله از این قرار است که اساساً موفقیت‌ها و درک زیبایی‌ها منشأ شادی هستند؛ اما طبیعتاً موفقیتی که بتواند در طول زمان از خودش دفاع کند؛ موفقیتی که مثلاً محصول یک کلاهبرداری و سرقت یا محصول یک زد و بند سیاسی باشد، اگر چه در مقیاس‌های روزمره یا حتی مقیاس‌های مقطعی ممکن است موفقیت به حساب آید، اما به هیچ وجه پایدار نیست؛ مثل ورزشکاری که با دوپینگ مدالی کسب کند؛ شاید در ظاهر موفق شده، اما این فرد مستحق شادی نیست، چون بعداً آبرویش می‌رود و مدالش را از او می‌گیرند. زیبایی‌ای که مبتنی بر هارمونی فطرت انسانی باشد و سمفونی دلنشین و دلاری کل هستی از آن به گوش برسد، پایدار خواهد بود. قرآن مجید در این خصوص می‌فرماید: به فضل و رحمت خداست که شادی شکل می‌گیرد.

برآیند کلی از صحبت‌های شما این است که افرادی می‌توانند مستحق شادی مستدام باشند که اهداف بزرگ‌تر از شادی را در نظر داشته باشند...

همین‌طور است. برای دستیابی به «لذت شرب مدام» می‌باید موفقیت‌های ما متصل به اهداف بزرگ باشد و زیبایی‌هایش نیز متناسب با اهداف هستی و هدف آفرینش باشد؛ به همین خاطر به شدت در جریان دینی، لَهَب و لَهو و سرگرمی‌های زودگذر ظاهری مردود شناخته شده است. محرمات در طول زمان نمی‌توانند از خودشان دفاع کنند و یک مقدار جلوتر، انسان را با غم و اندوه بزرگ‌تری روبه‌رو می‌کنند. اینکه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید پناه به خدا از شادی‌هایی که بعدش غصه بزرگی باشد، موید همین نکته است. حقیقت امر این است که شادی بزرگ‌ترین دستاورد دینداری است. اساساً انسان‌های دیندار شادترین آدم‌های روی زمین هستند؛ چون هدفشان خداست و موفقیت‌هایشان را موفقیت مقطعی نمی‌دانند. حتی اگر در جایی هم شکست بخورند، با تعریف بزرگ‌تری شکست به حساب نمی‌آید و در آن شکست هم احساس موفقیت می‌کنند؛ مثل جمله حضرت زینب (س) در کاخ یزید که فرمود: ما پیروز هستیم و شما شکست خوردید. یزید از سال 61 هجری تا 62 هجری قیامی داشت و موفقیتی مقطعی به دست آورد اما تاریخ را از دست داد و تاریخ به دست جریان اباعبدالله (ع) افتاد، لذا وقتی در هولناک‌ترین حادثه‌ها با نگاه مؤمنانه و متدینانه حضرت زینب (س) یا اولیای خدا نگاه کنیم، پیروزی را لمس خواهیم کرد. لذا روایت داریم که هر چه امام حسین (ع) به لحظه شهادت‌شان نزدیک‌تر می‌شدند، چهره‌شان منبسط‌تر و شادتر می‌شد.

به‌طور کلی می‌توان گفت دین یعنی ظرفیت بزرگ‌ترین شادی‌ها در دل حتی تلخ‌ترین حادثه‌ها، درست است؟

بله و عجیب است که هیچ‌کس، هیچ ماده و هیچ تلقین و یا فیلمی نمی‌تواند انسان را در دل تلخی و ناکامی شاد کند؛ مگر با فریب. به تعبیر قرآن فقط متدینین هستند که غصه نمی‌خورند. به قول مولوی که می‌گوید: در مصیبت می‌کشم لذت او، مات

اويم مات اويم مات او. اين يك شادي عميق، جدي، اصيل و ريشه‌دار و مورد تأکيد دين است.

مختصات شادي در مقياس جامعه امروزي چيست؟ شادي حلال و درستي که آرامش رواني پس از آن را به همراه داشته باشد؟

بينيد، ما مسائل دنيايمان را نمي‌توانيم حل كنيم، مگر اينكه از دريچه آخرت به آن نگاه كنيم. يك جوان اگر خواست شاد شود، بايد بداند اگر از خط قرمز گناه و معصيت عبور كند- اگر چه ممكن است به شادي مقطعي برسد- شادي‌اش شبیه آرامش پيش از طوفان خواهد بود. چه دلهره‌هايي که بر سر راه اين شادي‌ها وجود دارد! نخستين نکته اين است که از طريق معصيت و حرام، شادي به دست نمي‌آيد. بايد اين را باور كنيم که جنين اين نوع شادي مثل معتادي است که مواد استفاده مي‌کند. چنين فردي احساس مي‌کند شاد شده، اما همه مي‌دانيم افسرده‌تر و ضعيف‌تر از قبل خواهد شد. اينگونه نيست که يك جوان به اسم جواني کردن بخواهد شاد باشد و در وهله اول به خودش اجازه دهد هر کاري را انجام دهد. نکته دوم اين است که بايد بدانيم به تعبير اميرالمؤمنين، اگر ما نفس را مشغول نکنيم، نفس ما را مشغول مي‌کند. پس بايد براي نفس يك جوان مشغولياتي را فراهم كنيم. واقعا جوان براي اينکه بتواند شادي عميق را تجربه کند، حتما بايد اهل جهد، تلاش و کوشش و مهارت آموزي باشد. نکته بعدي فعاليت‌هاي اثباتي است. به‌خاطر دارم چندي پيش در کنار همين درياچه شهداي خليج فارس در غرب تهران، جواني را ديدم که پياده مي‌رفت و چهره خسته‌اي داشت. به او گفتم تو جواني و بايد شاد باشي! گفت: امکانات نيست که من شاد باشم. گفتم منظور از امکانات چيست؟ درياچه خيلي زيبا با وسايل ورزشي، منظره زيبا، وسايل براي ورزش و دویدن و تفريح کردن. گفت: نه! اينها تفريح نيست. گفتم تفريح چيست؟ تو چه مصداقي از تفريح و شادي داري؟ اينهايي که من گفتم لذتبخش است و در نرم جهاني تعريف دارد. بعد که قدرتي صادقانه‌تر و صميمانه‌تر شديم مشخصا از تفريحات حرام اسم برد. گفت ديسکو و مراکز اينچيني وجود ندارد. گفتم تو فکر مي‌کني آنها شاد هستند؟ آيا شادي اين است؟ ما نمي‌توانيم با اين چيزهايي که داريم شاد باشيم؟ گاهي اوقات ما واقعا جامعه را متهم مي‌کنيم، از سر اينکه خودمان نمي‌خواهيم نقش مثبت و فعالی داشته باشيم. گاهي حکومت را متهم مي‌کنيم که گويا بايد شادي‌ها را در بسته‌هايي براي ما کادوپيچ کنند، غافل از اينکه شادي خلق کردني و مبتني بر همان موفقيتي است که من بايد به دستش بياورم.

کمي توضيح بيشتر ا ارائه كنيد. اينکه چگونه شادي در لايه زيرين تلاش قرار دارد؟

مثالي در اين خصوص مي‌زنم؛ مثلا کسي که دانشگاه مي‌رود و درس مي‌خواند و در پايان دوره تحصيلات آکادميك به او مدرک مي‌دهند خوشحال و شاد مي‌شود. خب، فرض کنيد که وزارت علوم به تعداد همه جوانان ليسانس و فوق ليسانس چاپ کند و به منازلشان بفرستد؛ اين اساسا شادي‌آور نيست و فرد احساس افتخار نمي‌کند. مدرک اينچيني يك برگ کاغذ بي‌ارزش است، حتي اگر وزير و رئيس‌جمهور امضا کرده باشند. شادي نتيجه پروسه‌اي است که تلاش، جزو لاينفک آن است و شرطي بسيار حياتي و اساسي است. پس نکته مهم اين است که جوانان و غيرجوانان منتظر نباشند که شادي را کسي به آنها تقديم کند، شادي را با ايجاد فعاليت‌هاي مثبت و با انجام کارهاي کاملاً امکان‌پذير مي‌توان به دست آورد و به آغوش کشيد.